

چیستی طرح‌واره‌های تصویری در آیات اسنادی فتنه در قرآن کریم

سید جلال امینی^۱، بلاسم محسنی^۲، امیر مقدم متقی^۳

چکیده

معناشناسی واژگان قرآن کریم، از روش‌های نوین پژوهش در قرآن کریم است. بر این اساس دست‌یابی به معنای دقیق و درست واژگان قرآنی، اساس تفسیر است که کمال آن با تحلیل معنای واژگان در سیاق آیات و دستیابی به شبکه معنایی واژگان قرآن صورت می‌پذیرد؛ از سویی دیگر کارکرد اسنادی واژگان قرآنی، نقش به‌سزایی در فهم و تفسیر آیات قرآنی دارد؛ یکی از واژگان پرکاربرد در قرآن کریم واژه «فتنه» است؛ این واژه با مشتقاتش شصت مرتبه در کارکردهای اسنادی متفاوت در کلام الهی به‌کار رفته‌است و این تکرار نشان‌دهنده اهمیت این واژه است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کارکردهای اسنادی آیات فتنه و چیستی طرح‌واره‌های تصویری موجود در آن می‌پردازد. نتایج این جستار بیانگر آن است که ماده فتنه در کاربردهای قرآنی غالباً در شکل متکلم وحده از فعل ماضی و سپس در قالب دیگر اشتقاقیات به‌کار رفته‌است و همچنین نشانگر آن است که به ترتیب طرح‌واره حرکتی بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌است و سپس طرح‌واره ظرف بودگی، نیرو - قدرتی، تماس و شیء، بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، اما طرح‌واره حمایت و مرکز - حاشیه، تنها در یک آیه به چشم می‌خورد. نیز طرح‌واره حرکتی بیشتر در موارد هجرت و پیکار با کفار به چشم می‌خورد که جهت حفظ ایمان، توصیه به حرکت شده‌است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، فتنه، کارکرد اسنادی، معناشناسی، طرح‌واره تصویری.

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

ایمیل : sjalal02@gmail.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده

مسئول). ایمیل : mohseni@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی - دانشگاه فردوسی مشهد - مشهد - ایران. ایمیل :

a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

۱. مقدمه

زبان را می‌توان نوعی نظام ارتباطی دانست که موضوع ارتباط را با آن چه ایجاد ارتباط می‌کند، مربوط می‌سازد؛ به بیان دیگر، زبان نظامی است که در یک سوی آن پیام و در سوی دیگرش، مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا نمادها قرار دارند. «فردینان دو سوسور»، زبان‌شناس سوئیسی، این دو را «دال» (صورت) و «مدلول» (معنی) می‌نامد. (پالمر، ۱۳۶۵: ۲۰) هال می‌گوید: زبان در خلا وجود ندارد. زبان در جامعه انسانی و به منظور ایجاد ارتباط به کار برده می‌شود، بنابراین، دارای معنی است (هال، ۱۳۸۱: ۱۳۱)

برآل می‌گوید: زبان‌شناسی برای انسان از انسان می‌گردد. زبان‌شناسی به او می‌گوید که بر ساخته از چیست و چگونه به کمال رسیده‌است، آن هم با گذر از سختی‌های گوناگون و سستی‌های ناگزیر، حتی علی‌رغم عقب‌گرد‌های موقتی‌ای که ابزار حیاتی تمدن است (گیررتس، ۱۳۹۸: ۵۱)

زبان‌شناسی شناختی (cognitive) یکی از رویکردهای نسبتاً جدید در مطالعات زبان‌شناسی است که به بررسی رابطه میان زبان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی انسان می‌پردازد. بر اساس این رویکرد، مطالعه زبان بر اساس تجربیات انسان از جهان خارج، نحوه درک و روش مفهوم‌سازی او انجام می‌شود. به عبارت دیگر مطالعه زبان، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی شده (Conceptualization) است. این رویکرد حاصل منازعات زبان‌شناختی میان معناشناسان زایشی از جمله لیکاف، لانگاکر و طرفداران چامسکی است. به اعتقاد لیکاف و لانگاکر اساس مطالعات زبانی باید بر اساس معنا و توجه به استعداد‌های شناختی انسان باشد و بررسی معنای زبانی بر اساس معنی‌شناسی صدق و کذب نادرست است. در زبان‌شناسی شناختی برخلاف نظر صورت‌گرایان آنچه اصل است، معناست و صورت زبانی فرع در نظر گرفته می‌شود (شیخ‌سنگ تجن، ۱۳۹۶) یکی از شاخه‌های مهم در زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی است که به بررسی رابطه بین تجربه، نظام مفهومی و ساختار مفهومی می‌پردازد. (ایوانز، ۲۰۰۷). در معنی‌شناسی شناختی به جای توجه به جهان خارج، ساخت مفهومی یا شناختی که انسان از تجربیات جهان خارج در ذهن خود منعکس ساخته‌است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. مقولات ذهنی به واسطه تجربه‌های فیزیکی شکل می‌گیرند. به اعتقاد معنی‌شناسان شناختی، انسان تجربیاتی را از جهان خارج کسب می‌کند و در ذهن خود به صورت مفاهیمی انبار می‌کند. این مفاهیم باید بتوانند در ایجاد ارتباط به کار روند، بنابراین باید قراردادی باشند (لانگاکر، ۱۹۸۷: ۱۱)

اگر زبان‌شناسی را مطالعه علمی زبان در نظر بگیریم، می‌توانیم از همین الگو استفاده کنیم و بگوییم که معنی‌شناسی نیز مطالعه علمی معنی است این تعریف زمانی قابل قبول است که اولاً بدانیم "مطالعه علمی" چیست و ثانیاً معلوم کنیم، منظورمان از "معنی" چیست (صفوی، ۱۳۸۶: ۱۴) «معنی‌شناسی» اصطلاحی فنی است که به مطالعه معنی اطلاق می‌شود (پالمر، ۱۳۶۵: ۱۳) معنی‌شناسی یکی از اجزاء یا سطوح زبان‌شناسی نظیر آواشناسی یا دستور است. (همان) معنی‌شناسی زبانی گونه‌ای از معنی‌شناسی است که بخشی از دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود و از اصطلاح (semantique) فرانسه نشأت

می‌گیرد که برای نخستین بار از سوی برآل معرفی شد. در معنی‌شناسی زبانی، توجه معطوف به خود زبان است و معنی‌شناسی با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن آدمی را باز می‌کاود. این شیوه‌ی مطالعه‌ی معنی را رهیافتی بازنمودی (vepres entational) می‌نامند (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۸)

معنی‌شناسی شناختی شعبه‌ای از دانش زبان‌شناسی است (لاینز، ۱۳۸۵: ۳۵)، اصطلاح معنی‌شناسی شناختی نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد و نگرشی را معرفی کرد که بسیاری از معنی‌شناسان را مجذوب خود ساخت. براساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. این دیدگاه در نقطه‌ی مقابل آرای فیلسوفانی چون فودور و زبان‌شناسانی نظیر چامسکی قرار می‌گیرد. اینان برخلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعداد‌های شناختی انسان می‌دانند؛ استعداد‌هایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. بنابراین شاید بتوان مدعی شد که هسته اصلی آنچه این دسته از زبان‌شناسان به آن معتقدند، در این عبارت نهفته است که «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (همان، ۳۶۴-۳۶۳)

معناشناسی ارتباط بین واژه و معنا را بررسی می‌کند و در فهم و درک معنا، نقش به‌سزایی دارد. قرآن کریم به مثابه یک متن زبانی واژگانی را به کار برده است که معانی و کارکردهای متفاوتی دارد. معناشناسی در پژوهش‌های قرآنی، با ارائه راهکارهایی نظام‌مند، علاوه بر بیان تعریفی دقیق از مفاهیم مورد مطالعه و تبیین جایگاه آن مفهوم در میان سایر مفاهیم قرآنی، لایه‌های جدیدی از یک مفهوم را آشکار کرده است و در تعمیق معانی مستخرج از آیات، نقشی به‌سزا دارد. همچنین، از آنجایی که معناشناسی واژگان قرآن کریم در تفسیر آیات قرآن کریم نقش به‌سزایی دارد، لذا واژه‌پژوهی کلمات قرآن کریم ضروری به نظر می‌رسد.

از واژگان مهم و پرکاربرد در قرآن کریم واژه «فتنه» است. این واژه با مشتقاتش شصت مرتبه در کارکردهای اسنادی متفاوتی به کار رفته است، گاه به خداوند متعال و گاه به خود انسان و گاه به ظالمان و ستمگران اسناد داده شده است. همچنین واژه «فتنه» در کاربردهای قرآنی غالباً در شکل متکلم وحده از فعل ماضی و سپس در قالب دیگر اشتقاقیات به کار رفته است. با توجه به اهمیت معناشناسی کارکرد اسنادی واژه «فتنه» در قرآن کریم، پرداختن به این مقوله ضروری است. از این رو، در این پژوهش با ابزار کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی کارکرد اسنادی این واژه را واکاوی می‌کنیم.

۱-۱. پرسش پژوهش

- این واژه با توجه به معنای ریشه‌ای خود در کارکردهای گوناگون دارای کدامین از طرح‌واره‌هاست؟
- کدام یک از انواع طرح‌واره‌های تصویری بیشترین بسامد را در آیات قرآن کریم داشته اند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه معناشناسی واژگان قرآنی، پژوهش‌هایی صورت گرفته، ولی به‌کارگیری این روش سابقه چندانی ندارد و بیشتر این آثار به قرون اخیر بازمی‌گردد که از آن میان، تألیفات «ایزوتسو» از جمله کتاب «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» و نیز کتاب «آفرینش و رستاخیز» از تألیفات شاگردش «ماکینوشینیا» - شاگرد وی که غالباً روش ایزوتسو را در پی گرفته است - را

از نخستین آثار با محوریت معناشناسی می‌توان دانست. علاوه بر آثار یادشده، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز صورت گرفته‌است از جمله: ۱. مقاله «بازشناسی مفهوم فتنه از دیدگاه قرآن (۱۳۸۸) مجله فقه و تاریخ تمدن؛ علی اصغر یساقی. ۲. چندمعنایی در قرآن کریم، مطالعه موردی ترجمه واژه فتنه (۱۳۹۰) مجله مطالعات زبان و ترجمه. ۳. مقاله خانم «اعظم پرچم» و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «معناشناسی واژه فتنه در قرآن و نقش اسمای الهی در آن» به این نتیجه رسیده‌اند که فتنه در سطح پیامبران مقدمه رسیدن به مقامات الهی و معنوی و مقام خلیفه الهی است، در سطح مؤمنان موجب تکفیر گناهان، خلوص در ایمان و ... است و در سطح کافران که از آن بی‌بهره‌اند، وسیله‌ای برای فرورفتن بیشتر در غفلت، گمراهی و دوری از اسمای الهی است. ۴. خانم «مرضیه کهندل جهرمی» و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «رسم شبکه معنایی (Semantics) واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن» وجوه معنایی فتنه را واکاوی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فتنه با کلماتی مانند «کفر، ظلم، شرک و آزمایش» درارتباط است و درواقع ترسیم‌کننده نظام سیستماتیک است. همچنین برای کامل کردن معنای فتنه، ابعاد دیگر فتنه از قبیل فاعلیت فتنه، اهداف فتنه و اسباب فتنه مورد بررسی واقع شده‌است. ۵. حوزه معنایی فتنه در قرآن کریم با تأکید بر شناخت زمینه‌ها و بستر آن، کنفرانس ملی رویکردهای علوم انسانی (۱۳۹۶). تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده این است که در پژوهش‌های ذکر شده، به معنای فتنه و واژگان هم‌نشین و مفردات آن و نیز چندمعنایی ترجمه واژه فتنه پرداخته شده، لیکن در این نوشتار، کارکرد اسنادی فتنه مورد بررسی قرار گرفته‌است بنابراین پژوهشی با این موضوع صورت نگرفته‌است.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. طرح واره‌های تصویری

نام‌های مختلفی را برای طرح واره‌های تصویری به کار می‌برند: از جمله طرح واره‌های تصویری، طرح‌های ذهنی، طرح واره‌های ذهنی، طرح‌های تصویری، طرح‌های تصویری و ... که همگی دلالت بر یک مدل خاص دارند و آن طرح واره‌های تصویری می‌باشد.

یک طرح واره ذهنی، مدلی مفهومی و انتزاعی است که در نتیجه تعاملات روزمره با جهان پیرامون شکل می‌گیرد (تیلور و لیتل مور، ۱۳۹۶: ۳۲) طرح واره‌های تصویری، ساختارهای معنی‌دار و جسمی شده‌ای هستند که حاصل حرکات جسم انسان در فضای سه بعدی، تعاملات ادراکی و نحوه برخورد با اجسام هستند (راسخ مهند، ۱۳۹۲: ۴۲) مفهوم طرح واره‌های تصویری به نظریه لیکاف و جانسون تحت عنوان شناخت بدن‌مند بسیار نزدیک است. جانسون (۱۹۸۷) در کتاب بدن در ذهن استدلال می‌کند که تجربه‌های بدن‌مند درون نظام مفهومی طرح واره‌های تصویری را به وجود می‌آورند. طرح واره‌های تصویری، از تجربیات دریافتی و حسی نشأت می‌گیرند که نتیجه تعامل ما با جهان و محیط اطرافمان هستند. (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۴۷، ۴۶) طرح‌های تصویری یکی از ساخت‌های مفهومی مورد توجه معنی‌شناسان شناختی است. اصل مسأله این است که از ما در این جهان، اعمال و رفتارهایی بروز می‌کند؛ مثلاً حرکت می‌کنیم، می‌خوریم، می‌خوابیم، محیط اطرافمان را درک می‌کنیم و از این طریق، ساخت‌های بنیادینی پدید می‌آوریم که برای اندیشیدن درباره امور انتزاعی‌تر به کار می‌روند. به نظر جانسون، تجربیات ما از جهان خارج، ساخت‌هایی در ذهن ما پدید می‌آورد که ما آن‌ها را به زبان خود انتقال می‌دهیم.

این ساخت های مفهومی همان طرح های تصویری اند. به عبارت ساده تر طرح تصویری نوعی ساخت مفهومی است که بر حسب تجربه ما از جهان خارج در زبان ما نمود می یابد (صفوی، ۶۷ و ۱۳۸۲: ۶۸) در حوزه های فیزیکی، طرح واره های تصویری دو کارکرد دارند نخست، ایجاد ساختار برای تصویرهای ذهنی غنی به واسطه چنین ساختاری امکان نگاشت یک تصویر ذهنی غنی بر تصویر دیگر ایجاد می شود. دوم، طرح واره های تصویری از منطقی درونی برخوردارند که بر استدلال مرتبط با فضا می انجامد (لیکاف و ترنر، ۱۳۹۹: ۱۶۰)

۲-۲. کاربردهای لغوی

از کلام لغت شناس برجسته خلیل بن احمد فراهیدی استفاده می شود که این واژه به صورت لازم و متعدی به کار می رود و متناسب با نوع کاربردی که دارد، معانی گوناگونی دارد مانند: فریفته شدن؛ به فتنه و فریب انداختن؛ سوزاندن چیزی به وسیله آتش؛ عذاب و شکنجه کردن؛ آزمایش کردن؛ جنگ ها و آشوب هایی که میان مردم رخ می دهد. در جایی که فتنه به خداوند متعال اسناد داده شده به معنای آزمون گرفته شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۲۷-۱۲۸)

صاحب بن عباد نیز در اثر گرانسنگ خود معانی: فریفته شدن؛ عذاب؛ بلاء؛ جنگ؛ سوزاندن؛ گمراه کردن.. را برای این واژه ارائه نموده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۹: ۴۴۵) ابن فارس ریشه این واژه را به معنای ابتلاء و امتحان گرفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۷۲)

راغب اصفهانی در نگاشته ارزشمند خود درباره این واژه و کاربردهای قرآنی آن گوید: اصل «فَتْن» داخل کردن و گذاشتن طلا در آتش است تا خالص از ناخالص و خوب از بدش آشکار شود و برای دخول در آتش هم این واژه استعاره آمده است مانند «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ» (ذاریات/۱۳) گاهی به آنچه عذاب از آن حاصل می شود فتنه گویند، مانند: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (توبه/۴۹) و گاه «فتنه» به معنی آزمون است، مثل آیه: «وَفَتْنَاكَ فُتُونًا» (طه/۴۰) واژه «فِتْنَةٌ» همانند «بلاء» است و هر دو واژه هم در سختی و هم در آسایشی که انسان از آنها ناگزیر است به کار می روند ولی کاربرد «فتنه و بلاء» در شدت و سختی آشکارتر و بیشتر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۳) وی پس از بیان نمونه های قرآنی این واژه می افزاید: واژه «فتنه» از افعالی است که هم از سوی خدای تعالی و هم از جانب بندگان است همانند بلیه، مصیبت، قتل، عذاب و دیگر افعال ناپسند و کریمه. هرگاه فتنه از خدای تعالی باشد به مقتضاء و وجه حکمت است و اگر فتنه از انسان بدون امر و حکم خدای سر بزند نقطه مقابل حکمت الهی است. (همان: ۶۲۳)

آقای مصطفوی پس از بیان دیدگاه لغت شناسان برجسته درباره واژه «فتنه» در یک نتیجه گیری کلی می گوید: فتنه در اصل به معنای چیزی است که باعث اختلال همراه با اضطراب می شود، هر چیزی که چنین نتیجه ای داشته باشد، «فتنه» است و آن مصداق هایی دارد مانند: اموال، فرزندان، اختلاف نظر، عذاب، کفر، جنون، امتحان. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹: ۲۴)

۳. چستی طرح واره های تصویری در آیات اسنادی فتنه در قرآن کریم

همان گونه که اشاره شد واژه فتنه و مشتقاتش در قرآن کریم کارکردهای گوناگونی دارد. اینک نگاهی داریم به این کارکردها و برخی نمونه های قرآنی برای هر مورد را بررسی می نماییم.

۱. اسناد و کارکرد فتنه از جانب خداوند متعال

در قرآن کریم گاه فتنه به خداوند متعال اسناد داده شده است. این گونه از کارکرد، در قالب‌های گوناگونی به کار رفته است که عبارتند از:

۳- ۱- ۱. در قالب متکلم مع‌الغیر از فعل ماضی (فتنا)

در سوره انعام آیه ۵۳ می‌خوانیم: «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ» (ترجمه) «و این چنین بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم (توانگران را به وسیله فقیران) تا بگویند آیا اینها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده و) بر آنها منت گذارده (و نعمت ایمان به آنها بخشیده) آیا خداوند شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟!»

در این جا «فتنه» به معنای ابتلا و آزمایش است، بنابراین به طرح‌واره حرکتی اشاره دارد؛ چرا که فرد، نوعی سفر درونی را آغاز می‌کند. به ترتیب مبدأ (مکان اولیه فرد)، مسیر (حرکت فرد در مسیر آزمون الهی و سپس بازگشت از آن) و مقصد (مسیر حق) (صراط مستقیم) می‌باشد که هر کس را یاری رسیدن به آن نیست. در آیه بعدی نیز بامصداق دیگری به این مسأله (ابتلا و آزمایش) پرداخته شده است.

نیز در سوره طه آیه ۸۳-۸۶ آمده است: «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى. قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَيَّ أَثَرِي وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى. قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ. فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَ فَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» (ترجمه) «ای موسی چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! عرض کرد: پروردگارا! آنها به دنبال منند و من عجله کردم به سوی تو تا از من راضی شوی. فرمود ما قوم تو را بعد از تو به آزمایش گذاردیم و سامری آنها را گمراه کرد! موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: مگر پروردگار شما وعده نیکویی به شما نداد؟ آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامیده؟ یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!»

در آیه ۳۴ از سوره ص آمده است: «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ» (ترجمه) «ما سلیمان را آزمودیم و بر کرسی او جسدی افکندیم، سپس او به درگاه خداوند انابه کرد.»

در این جا فتنه که به معنای آزمودن است در مورد حضرت سلیمان (ع) به کار رفته که ما در این جا شاهد دو طرح‌واره حرکتی هستیم: ۱) اولی همان مفهوم آزمایش که پیش از این اشاره شد و دیگری مفهوم توبه که به ترتیب-مبدأ (حضور سلیمان (ع) نزد قومش) و مسیر (حرکت حضرت سلیمان (ع) از نزد قومش به مکانی دیگر) و مقصد (بازگشت از آن) که همان مفهوم انابه در آن نهفته است.

در بخشی از آیه ۴۰ سوره قصص در بیان الطاف الهی به حضرت موسی علیه السلام آمده است: «وَوَقَّلتَ نَفْسًا فَجَئِنَّاكَ مِنَ الْعَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فَتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدَرًا يَا مُوسَى» (ترجمه) «و تو کسی (از فرعونیان) را کشتی اما ما تو را از اندوه نجات دادیم، پس از آن سالیانی در میان مردم مدین توقف نمودی و تو را بارها آزمودیم سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به اینجا آمدی.»

در این قسمت نیز علاوه بر؛ آزمودن حضرت موسی(ع) که مسأله طرح‌واره حرکتی بر آن نگاشت می‌شود. در خود واژه «رسالت» نیز مسأله طرح‌واره حرکتی مطرح است؛ همچنانکه بهروزی و همکارانش در مقاله خود تحت عنوان تحلیل کاربست فعل حرکتی انزل در قرآن بر مبنای نظریه زبان‌شناختی تالمی بیان می‌دارند: فعل (ارسل/فرستاد) یک فعل حرکتی انتقالی است (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۹) به ترتیب مبدأ(کوه طور)، مسیر(حرکت از کوه طور به سوی قوم بنی اسرائیل) و مقصد(قوم بنی اسرائیل) می‌باشد.

۳-۱-۲. در قالب متکلم مع‌الغیر از فعل مضارع (لِنَفْتِنَهُمْ)

در آیه ۱۳۱ سوره طه می‌خوانیم: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (ترجمه) «و هرگز چشم خود را به نعمتهای مادی که به گروه‌هایی از آنها داده‌ایم می‌فکن که اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست و برای آنست که آنان را با آن بیازمائیم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است». در واژه رزق (روزی) مسأله طرح‌واره حرکتی مطرح است. به ترتیب مبدأ(نزد پروردگار) و مسیر(حرکت نعمات به سوی خلق الله) و مقصد(نزد خلق الله) می‌باشد.

۳-۱-۳. در قالب مضارع مجهول (يُفْتِنُونَ)

در سوره توبه آیات ۱۲۴-۱۲۶ می‌خوانیم: «وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَآمَنُوا وَهُمْ كَافِرُونَ. أُولَٰئِكَ يَفْتِنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ» (ترجمه) «و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود بعضی از آنان (به دیگران) می‌گویند این سوره ایمان کدامیک از شما را افزون ساخت؟ (به آنها بگو) اما کسانی که ایمان آورده‌اند ایمانشان را افزود و آنها (به فضل و موهبت الهی) خوشحالند و اما آنها که در دل‌هایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزود و از دنیا رفتند، درحالی‌که کافر بودند. آیا آنها نمی‌بینند که در هر سال یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟ باز توبه نمی‌کنند و متذکر هم نمی‌شوند! و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنها (منافقان) به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند آیا کسی شما را می‌بیند (و اگر از حضور پیامبر بیرون رویم متوجه ما نمی‌شوند) سپس منصرف می‌شوند (بیرون می‌روند) خداوند دل‌هایشان را (از حق) منصرف ساخته چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانشند)».

چنان که پیش از این ذکر شد در آزمودن، توبه و ... همچنان مسأله طرح‌واره حرکتی مطرح است. علاوه بر این که آن جا که فرموده در دل‌هایشان بیماری است، به طرح‌واره ظرف بودگی اشاره دارد؛ به ترتیب ظرف دل و مظلوف آن بیماری می‌باشد که در درون دل جای گرفته است. در خود واژه انزل(فروفرستاد) نیز طرح‌واره حرکتی مطرح است که خود فعل نیز بیانگر جهت مسیر می‌باشد. به ترتیب مبدأ(نزد خداوند)، مسیر(گفتن آیات به جبرئیل توسط خداوند باری تعالی) و مقصد(وحی به قلب پیامبر(ص) توسط جبرئیل) می‌باشد.

۳-۱-۴. در قالب نفی (لَا يُفْتِنُونَ - إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ)

نیز در سوره اعراف آمده است: «وَإِخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ...» (اعراف/۱۵۵) (ترجمه) «و

موسی از قوم خود هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند) گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی می‌توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی، آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده‌اند، (مجازات و) هلاک می‌سازی، این جز آزمایش تو چیز دیگر نیست که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی) گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی) هدایت می‌کنی...».

در جمله (إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ)، «اِنْ» حرف نفی است «هی» مبتدا و «إِلَّا» أداة حصر. واژه «فتنتک» به معنای: ابتلاؤک، خبر برای مبتدأست و جمله (تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ) حالیه است به معنای: مضلا بها و هاديا. دو واژه «مَنْ» اسم موصول بوده و به عنوان مفعول به محلاً منصوب است. (درویش، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۸) در این جمله نیز مفهوم طرح‌واره حرکتی مطرح است؛ اصل مسأله هدایت یعنی رهنمون ساختن به مسیر حق و اصل مسأله ضلالت یعنی رهنمون ساختن به مسیر ناصواب در اولی به ترتیب، مبدأ (مسیر ناصواب)، مسیر (حرکت از مسیر ناصواب به مسیر حق یا همان صراط مستقیم) و مقصد (صراط مستقیم) می‌باشد. و در دومی مبدأ (مسیر حق)، مسیر (حرکت از صراط مستقیم به سوی مسیر ضلالت و گمراهی) و مقصد (وادی ضلالت) می‌باشد.

۳-۱-۵. در قالب مصدری (فتنه)

در بخشی از آیه ۴۱ سوره مائده آمده است: «... وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (ترجمه) «و کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی در پی) بخواهد مجازات کند قادر به دفاع از او نیستی، آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگ نصیب آنان خواهد شد».

در اینجا نیز به طرح‌واره ظرف بودگی اشاره دارد؛ دل به منزله ظرفی در نظر گرفته شده که مظروف آن آلودگی است که مقصود همان پلیدی‌ها و زشتی‌ها بر اثر گناهان می‌باشد، حال آن که خداوند به عنوان کنشگر نمی‌خواهد، دل‌هایشان را تطهیر نماید.

۳-۲. اسناد فتنه به پیامبر صلی الله علیه و آله

در برخی آیات از زبان مردم نادان و دشمنان و بدخواهان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فتنه به آن حضرت اسناد داده شده است. (لافتنی - المفتون)

در سوره توبه آمده است: «لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَ لَا تَفْتَنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه ۴۸-۴۹) (ترجمه) «آنها پیش از این (نیز) اقدام به فتنه‌انگیزی کردند و کارها را برای تو دگرگون ساختند (و بهم ریختند) تا زمانی که حق فرا رسید و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید) در حالی که آنها کراهت داشتند. بعضی از آنها می‌گویند به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم) و ما را به گناه گرفتار ساز، آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند و جهنم کافران را احاطه کرده است!».

در این جا نیز طرح‌واره ظرف بودگی مطرح است زیرا در این آیه خداوند متعال فرموده: دوزخ به آن کافران احاطه دارد یعنی به مانند ظرفی می‌ماند که مظروف آن کافران هستند و آنان را در برمی‌گیرد.

۳-۳. اسناد فتنه به شیطان (لَا يَفْتِنَنَّكُمْ)

گاه فتنه در قالب نهی، به شیطان اسناد داده شده است. در سوره اعراف خداوند متعال در مقام مراقبت از افتادن در دام فریب‌های شیطان، خطاب به فرزندان آدم علیه‌السلام می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرَакُم هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۲۷) (ترجمه) «ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد آن‌چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد، چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند و شما آنها را نمی‌بینید (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند»

در این قسمت از آیه برای نشان دادن ابعاد فتنه در خصوص اسناد فتنه به شیطان رجیم از طرح‌واره ظرف بودگی استفاده کرده؛ آن‌جا که می‌فرماید: لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا زشتی شان را به آن‌ها نشان دهد. لباس مانند ظرفی است که مظروف (بدن) را در برگرفته است.

۳-۴. اسناد فتنه به نفس (خود فریبی) (فَتَنَّمْ)

در کاربردهای قرآنی گاه فتنه به نفس بداندیش اسناد داده شده است. در سوره حدید در بیان حال منافقان در قیامت آمده است: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ. يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ. فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا أُوَكِّمُ النَّارَ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ بئسَ الْمَصِيرُ» (حدید/۱۳-۱۴) (ترجمه) «روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نور شما شعله‌ای بگیریم، به آنها گفته می‌شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!، در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! . آنها را صدا می‌زنند که مگر ما با شما نبودیم؟! می‌گویند: آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید و (در همه چیز) شک و تردید داشتید و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید و شیطان شما را در برابر خداوند فریب داد. لذا امروز از شما غرامتی پذیرفته نمی‌شود و نه از کافران و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می‌باشد و چه بد جایگاهی است».

نور در این آیه مفهومی انتزاعی است که مسأله شعله گرفتن از آن به طرح‌واره شیء اشاره دارد؛ یعنی ویژگی تجسم را برای آن قائل شده است. سپس فرموده به پشت سر خود باز گردید و کسب نور کنید به طرح‌واره حرکتی اشاره دارد که به ترتیب مبدأ (مسیر اولیه منافقان) (مسیر ضلالت)، مسیر (حرکت از مسیر ضلالت به مسیر حق) می‌باشد. در قسمت بعدی آیه می‌فرماید: دیواری میان آن‌ها زده می‌شود که دری دارد که درونش رحمت است و بیرونش عذاب پس ما با طرح‌واره نیرو- قدرتی از نوع مانع مواجه هستیم؛ زیرا که دیواری که زده شده به منزله مانعی است که حائلی میان خداوند و بندگان گمراه ایجاد کرده است. در قسمت بعدی آیه فرموده که این دیوار، دری دارد که داخل آن نور و بیرونش عذاب است. پس در این جا با رفع مانع نیز مواجه‌ایم؛ چراکه در به منزله دروازه‌ای برای دیوار است و قرآن، تصویر سازی زیبایی را از حال و روز منافقان ارائه داده است.

۵-۳. اسناد فتنه به مشرکان و کافران (فتنوا - فتنهم - تفتنون - یفتنکم - لیفتنوک)

در تعبیرهای قرآنی گاه فتنه به کافران و مشرکان اسناد داده شده است؛ چنانچه در سوره بروج آیه ۱۰ می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (ترجمه) «کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد شکنجه قرار دادند عذاب دوزخ برای آنها است و عذاب آتش سوزان».

در بیان مفردات این آیه گفته شده: «فَتَنُوا» یعنی شکنجه و عذاب کردند و مقصود سوزاندن مؤمنان با آتش است. (درویش،

۱۴۱۵، ج ۱۰، ۴۳۳)

در خصوص این آیه نیز باید گفت عذاب که واژه‌ای انتزاعی است، سوزاننده بودن را برای آن قائل شده که از ویژگی‌های طرح‌واره شیء است و این خود مصداق بارزی بر استفاده از طرح‌واره در این آیه دارد که خود این امر به اعجاز آیه نیز اشاره دارد.

در سوره نمل آیات ۴۵-۴۷ آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ. قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. قَالُوا أَطِیرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ» (ترجمه) «ما به سوی ثمود برادرشان "صالح" را فرستادیم که خدای یگانه را بپرستید، اما آنها به دو گروه تقسیم شدند و به مخاصمه پرداختند. (صالح) گفت: ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید؟ (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را) چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید، شاید مشمول رحمت شوید؟ آنها گفتند: ما تو و کسانی را که با تو هستند به فال بد گرفتیم (صالح) گفت: فال بد (و نیک) نزد خداست (و همه مقدراتتان به قدرت او تعیین می‌گردد) شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید».

در سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء/۱۰۱) (ترجمه) «و هنگامی که سفر کنید گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (خطر و آسیب‌رسانی) کافران بترسید، زیرا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند».

در سوره اسراء می‌خوانیم: «وَ إِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَةً وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا وَ لَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كَدَتِ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (اسراء/۷۳-۷۴) (ترجمه) «نزدیک بود آنها (با وسوسه‌های خود) تو را از آنچه وحی کرده‌ایم بفریبند تا غیر آن را به ما نسبت دهی و در آن صورت تو را دوست خود انتخاب کنند! و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت مصون از انحراف نبود) نزدیک بود کمی به آنها تمایل کنی!» «این آیات گوشه‌ای از نیرنگ‌های مشرکین را که به قرآن و به پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زدند و تعدی و پافشاری که در انکار توحید و معاد کردند یادآور شده، در همین باره علیه ایشان احتجاج و استدلال می‌کند» (طباطبایی، ج ۱۳: ۲۳۷)

در سوره مائده آمده است: «وَ أَنْ أَحْكُمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ أَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنْ كَثُرُوا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (مائده/۴۹) (ترجمه) «و باید در میان آنها (اهل کتاب) طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کنی و از هوسهای آنان پیروی مکن و بر حذر باش که مبادا تو را از بعضی احکامی که خدا بر تو نازل کرده منحرف سازند و اگر آنها (از حکم و داوری تو) روی گردانند بدان خداوند می‌خواهد آنها را بخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند و بسیاری از مردم فاسقند».

در سوره صافات با ساختار اسم فاعل (فاتنین) آمده است: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ. إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ. فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ. مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ. إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ» (صافات/۱۵۹-۱۶۳) (ترجمه) «منزه است خداوند از توصیفی که آنها می کنند. مگر بندگان مخلص خدا. شما و آنچه پرستش می کنید، هرگز نمی توانید کسی را (با آن) فریب دهید. مگر آنها که می خواهند در آتش دوزخ بسوزند».

۳-۶. اسناد فتنه به مؤمنان (فُتِنُوا)

در سوره نحل آیه ۱۱۰ می خوانیم: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (ترجمه) «اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن (به ایمان بازگشته اند و) هجرت کردند و جهاد و استقامت در راه خدا به خرج دادند، پروردگار تو بعد از انجام این کارها غفور و رحیم است (و آنها را مشمول رحمت می سازد)».

این آیه دلیل روشنی است، برای قبول توبه مرتد ولی اشخاصی که در آیه مورد بحث هستند قبلاً مشرک بوده اند و بعد مسلمان شده اند، بنابراین "مرتد ملی" محسوب می شوند نه "مرتد فطری" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۲/۱۱-۴۲۱) در این جا طرح واره حرکتی مطرح است؛ زیرا مومنان برای در امان ماندن از فتنه کفار هجرت می کنند به ترتیب مبدأ (جایگاه اولیه)، مسیر (حرکت از زادگاه به سمت مقصد) و مقصد (جایگاه ثانویه) می باشد در قسمتی از آیه که به توبه اشاره شده نیز باید گفت یا باید خاطر نشان ساخت که در خود توبه طرح واره حرکتی مطرح است.

۳-۷. اسناد فتنه به بنی اسرائیل (فُتِنْتُمْ)

در کاربردهای قرآنی گاه فتنه به بنی اسرائیل اسناد داده شده است. در سوره طه می خوانیم: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَاراً مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ. فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلاً جَسَداً لَهُ خَوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَانْسِي. أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَقَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» (طه/۸۷-۹۱) (ترجمه) «گفتند: ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم، ولی ما مقداری از زینت آلات قوم را که با خود داشتیم افکندیم و سامری اینچنین القا کرد و برای آنها مجسمه ای از گوساله که صدایی همچون صدای گوساله داشت خارج ساخت و گفتند این خدای شما و خدای موسی است! و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود). آیا آنها نمی بینند که (این گوساله) پاسخ آنها را نمی دهد؟ و مالک هیچگونه نفع و ضرری از آنها نیست؟! و هارون قبل از آن به آنها گفته بود که ای قوم! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفتید، پروردگار شما خداوند رحمان است، از من پیروی کنید و اطاعت فرمان من نمایید؛ ولی آنها گفتند ما هم چنان بر گرد آن می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!».

۳-۸. اسناد فتنه به فرعونیان (يَفْتِنُهُمْ)

در استعمالات قرآنی گاه فتنه به فرعونیان اسناد داده شده است. خداوند متعال در سوره یونس می فرماید: «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ. فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ

مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (یونس/۸۳-۸۶) (ترجمه) «(در آغاز) هیچکس به موسی ایمان نیاورد؛ مگر گروهی از فرزندان قوم او، (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش مبدا آنها را (با فشار و یا تبلیغات گمراه کننده) از آیینشان منحرف سازند، فرعون برتری جویی (و طغیان) در زمین داشت و او از اسرافکاران بود. موسی گفت: ای قوم من! اگر شما ایمان به خدا آورده‌اید بر او توکل کنید. اگر تسلیم فرمان او هستید. گفتند تنها بر خدا توکل داریم. پروردگارا ما را تحت تاثیر گروه ستمگر قرار مده و ما را به رحمت از (دست) گروه کافران رهایی بخش».

۳-۹. کاربرد عام فتنه (الفتنه - فتنه)

گاه در قرآن کریم، فتنه به صورت کلی و عام به کار رفته است؛ در سوره بقره آمده است: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْهُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱) (ترجمه) «و آنها را [بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آنجا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران!»

در گفتار خداوند متعال «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» فن بیان مثل به کار رفته است. یعنی جمله کاربرد مثل پیدا کرده است؛ زیرا خارج کردن از وطن فتنه‌ای است که فتنه‌ای دیگر به دنبال دارد. (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۸۲)

در سوره بقره آیه ۱۹۳ می‌خوانیم: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (ترجمه) «و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید!)»

«قاتل» در زبان عربی به معنی «پیکار کرد» است از باب مفاعله که اشاره به هم آوردی دارد؛ یعنی دو طرف در جنگ درگیرند. در اینجا که فرموده: با آنها پیکار کنید. به طرح‌واره حرکتی اشاره دارد؛ مبدأ (مکان اولیه)، مسیر (حرکت به سوی محل نبرد و بازگشت از آن) و مقصد (محل نبرد) می‌باشد در اینجا با طرح‌واره رفع مانع و توانایی نیز مواجهیم؛ زیرا مؤمنان نسبت به کافران تواناترند؛ زیرا به جنگ با آنها بر می‌خیزند؛ زیرا جنگ به مثابه مانع است، چرا که موجب عدم ازدیاد کفر می‌شود.

و سپس که فرموده مزاحم آنها نزدیک نشوید به منزله رفع مانع است. در این آیه نیز طرح‌واره تماس (برخورد) مشهود است؛ زیرا شاهد برخورد تن به تن مؤمنان و کافران، تماس شمشیرهای آنها با یکدیگر و نیز تماس جان و نشان با همدیگر هستیم.

در سوره ذاریات خداوند متعال می‌فرماید: «قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ. يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ. يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ. ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» (ذاریات/۱۰-۱۴) (ترجمه) «کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند و پیوسته سؤال می‌کنند: «روز جزا چه موقع است؟!» (آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می‌سوزانند! (و گفته می‌شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید!»

این آیه به طرح‌واره ظرف بودگی اشاره دارد چرا که جهل و غفلت به مثابه ظرفی است که دروغگویان را در بر گرفته‌است در این آیه طرح‌واره تماس (برخورد) نیز وجود دارد زیرا شاهد تماس آتش و دروغگویان هستیم آن جا که می‌فرماید دروغگویان را بر آتش می‌سوزاند.

۴. تحلیل کاربردهای اسنادی

در تحلیل و تبیین مواردی که فتنه به خداوند متعال اسناد داده شده‌است، باید دانست که این ماده به معنای آزمایش کردن، امتحان نمودن و خالص نمودن است.

زمخشری در کشف این کاربرد و ماده را به معنای آزمون گرفته و در تفسیر آیه ۵۳ از سوره انعام می‌نویسد: و مانند آن امتحان بزرگ است، برخی را با برخی دیگر امتحان کردیم، یعنی آنها را با آنها آزمودیم.

نیشابوری نیز در تفسیر آیه ۵۳ از سوره انعام می‌گوید: «فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» فقرا را با اغنیا از نظر ظرفیت و کوشش و اغنیا را با فقرا در پیشی گرفتن در اسلام و چیزهای دیگر آزمودیم تا صبر و سپاس و رقابت در دین یا دنیا را نشان دهیم. (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۹۶)

همچنین در تفسیر آیه ۵۲ و ۵۳ از سوره انعام گفته شده: آنچه از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید و آیه بعدی هم که می‌فرماید: "وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ..." آن را تایید می‌کند، این است که مشرکین معاصر رسول الله (صلی الله علیه و آله)، از آن جناب توقع داشته و پیشنهاد می‌کرده‌اند که: این یک مشت فقیر و بیچاره‌ای که دور خود جمع کرده‌ای، متفرق ساز. سایر امت‌ها هم از انبیای خود از اینگونه خواهش‌های بیجا داشتند، که چرا امتیازی برای اغنیا بر فقرا قائل نمی‌شوند و از روی نخوت و غرور انتظار داشتند که پیغمبرانشان اغنیا را دور خود جمع کرده، فقرا و بی‌نویان را با اینکه از صمیم دل ایمان آورده‌اند، از خود دور سازند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۴۱)

آنجا که می‌فرماید یک مشت فقیر بیچاره‌ای که دور خود جمع کرده‌ای، متفرق ساز به طرح‌واره توده (غیر قابل شمارش) اشاره دارد؛ چون تعدادی برای آن قائل نشده‌است و نیز شاهد طرح‌واره مجاورت هستیم چرا که می‌فرماید: فقیران و بیچارگان پیامبر صلی الله می‌باشند؛ شاهد طرح‌واره مرکز حاشیه نیز هستیم چرا که پیامبر صلی الله بسان مرکزی است که حاشیه (فقیران و بیچارگان) دور ایشان را احاطه کرده‌اند. طرح‌واره حمایت نیز مطرح است؛ چرا که شاهد حمایت پیامبر صلی الله از فقیران و بیچارگان هستیم.

نویسنده ایجاز البیان در تفسیر آیه «فَتَنَّا سُلَيْمَانَ» می‌نویسد: خَلَصْنَاهُ، أَوْ ابْتَلَيْنَاهُ. (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۷۱۳)

علامه طبرسی نیز در تفسیر آیه ۳ از سوره عنکبوت می‌نویسد: سپس خداوند سوگند یاد کرده و فرموده: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ: همانا حتماً آزموده‌ایم آنان که پیش از امت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) بودند» و آزمایش‌هایشان با دستورات دینی و یا سختی‌ها و مشکلات زندگی - بر حسب اختلاف آنها بوده‌است و این آیه خود تسلی و آرامشی برای مسلمانان صدر اسلام بود - که با مشکلاتی روبرو بودند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹: ۹)

مراغی در تفسیر خود در ذیل آیه ۵۳ انعام می‌نویسد: سپس تصریح کرد که استدلال مشرکان در مورد مستضعفان، آزمایشی از جانب خداوند و یک آزمایش است. سپس فرمود: «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» یعنی و امثال آن امتحان‌ها، یعنی امتحان و آزمایش، پس برخی را با برخی دیگر آزمودیم؛ یعنی در فطرت و اخلاق انسانی به سنت خود ساخته شدیم. برخی از آنها

برای برخی دیگر آزمایش هستند که به وسیله آن واقعیت وضعیت آنها آشکار می‌شود، همانگونه که جواهرساز واقعیت طلا و نقره را با آزمایش کردن آنها با آتش، آشکار می‌کند. (مراغی، بی تا، ج: ۷، ۱۳۶)

تفسیر نمونه در تشریح آزمون‌ها و ابتلائات الهی در ذیل آیات آغازین سوره عنکبوت می‌نویسد: بعد از ذکر حروف مقطعه به یکی از مهمترین مسائل زندگی بشر که مسأله شدائد و فشارها و آزمون‌های الهی است اشاره می‌کند. نخست می‌گوید: "آیا مردم گمان کردند همین اندازه که اظهار ایمان کنند و شهادت به توحید و رسالت پیامبر دهند به حال خود واگذارده خواهند شد و امتحان نمی‌شوند؟! بعد بلافاصله به ذکر این حقیقت می‌پردازد که امتحان یک سنت همیشگی و جاودانی الهی است، امتحان مخصوص شما جمعیت مسلمانان نیست، سنتی است که در تمام امت‌های پیشین جاری بوده است. می‌فرماید: "ما کسانی را که قبل از آنها بودند آزمایش کردیم" (وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ). آنها را نیز در کوره‌های سخت امتحان افکندیم، آنها نیز همچون شما در فشار دشمنان بی‌رحم و جاهل و بی‌خبر و متعصب و لجوج قرار داشتند، همیشه میدان امتحان باز بوده، گروهی در این میدان شرکت داشته‌اند. باید هم چنین باشد؛ چرا که در مقام ادعا هر کس می‌تواند خود را برترین مؤمن، بالاترین مجاهد و فداکارترین انسان معرفی کند، باید وزن و قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود، باید معلوم گردد تا چه اندازه نیات درونی و آمادگی‌های روحی با این گفته‌ها هماهنگ یا ناهماهنگ است؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج: ۱۶: ۲۰۴-۲۰۵)

در این جا به طرح‌واره ظرف بودگی اشاره کرده‌است؛ زیرا فتنه بسان ظرفی است که همچون کوره خداوند مسلمانان را به عنوان مظروف در آن افکنده‌است.

در مواردی که فتنه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی نادانان و دشمنان اسناد داده شده، گاه به معنای به سختی و گناه انداختن و گاه به معنای دیوانه و آسیب دیده از جنّ معنا شده‌است.

زمخشری در تفسیر آیه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُنْذِرْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه/۴۹) می‌نویسد: (ای پیامبر) به ما اجازه بده که کنار بنشینم و مرا امتحان مکن و (مرا با بردن به جهاد) به فتنه میانداز و آن گناه است و اینکه به من اجازه ندهی، اگر بدون اجازه تو کوتاهی کنم، گناه می‌کنم و گفته شد: و مرا به هلاکت نیندازید که اگر با شما بیرون بروم، اموال و فرزندانم هلاک می‌شوند و گفته شده: جد بن قیس گفت: انصار می‌دانند که من نسبت به زنان بی‌پروا هستم. مرا به رنج و آزار عشق «بنات الاصفر» یعنی «زن‌های روم» گرفتار مکن، لیکن با مال تو را یاری می‌کنم و خوانده شد: لَا تَفْتِنِّي. «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» یعنی همان فتنه‌ای که در آن ساقط شده‌اند و آن فتنه عصیان است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۲، ۲۷۷).
براین اساس، زمخشری در این بیان خود، جمله «وَلَا تَفْتِنِّي» را این‌گونه معنا کرده: مرا در فتنه و گناه نینداز.

واژه «مفتون» در سوره قلم به معنای دیوانه و آسیب دیده از جنّ معنا و تفسیر شده‌است. دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت نسبت جنون می‌دادند. خداوند متعال در این آیات می‌فرماید به زودی روشن خواهد شد که دیوانه واقعی کیست؟

درباره آیات آغازین سوره قلم و واژه مفتون گفته شده: «فَسَتَّبَصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بَأْيُكُمْ الْمَفْتُونُ» فاء برای تفریع است برحسب کلامش «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (قلم/۲) به اعتبار آنچه که سخن پروردگار «بِنِعْمَةِ رَبِّكَ» در باطل کردن آنچه که دشمنانش در شأن وی (پیامبر) گفته‌اند، اقتضا کرده‌است. با بطلان بهتان‌شان آغاز کرد و به این نتیجه رسید که اگر به ادله نگاه کنند و

محاسن را تشخیص دهند، متوجه می‌شوند که کدام یک از دو گروه شیفته انحراف از حقیقت و هدایت هستند، بیشتر مجذوب می‌شوند یا این که این اختلال عقل است، همانطور که آفریده‌اند و مراد همان است که در قول او «وَّيُبْصِرُونَ» است، ولی قول خود را وارد کرده است: «فَسْتَبْصِرُ» به طوری که دو طرف در گفتاری منصفانه (یعنی دعوت به انصاف) به شیوه سخنش: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبأ/۲۴) زیرا قرآن به گوش آنها می‌رسد و بر آنها تلاوت می‌شود. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۹: ۶۱)

در جایی که فتنه به شیطان اسناد داده شده، همانند آیه ۲۷ از سوره اعراف، به معنای فریب‌دادن و به انحراف کشیدن می‌باشد. طبرسی در مجمع‌البیان درباره اسناد فتنه و فریب به شیطان گوید: بار دیگر خداوند متعال خطاب به آدمیان کرده، می‌فرماید: شیطان شما را از راه دین گمراه نکند و از حق دور نسازد و بوسیله دعوت به معصیت، شما را گرفتار نکند. در اینجا در حقیقت شیطان را از گمراه کردن انسان‌ها نهی کرده می‌گوید: ای اولاد آدم، باید شیطان شما را گمراه نکند. اما خود اولاد آدم را نهی نکرده است. بدیهی است که چنین بیانی برای ترسانیدن مردم، مفیدتر و رساتر است؛ زیرا در عین حال اعلام خطر می‌کند که شیطان دشمن آنها و در کمین آنهاست و باید از او بترسند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۷۸)

در آنجا که فتنه به نفس اسناد داده شده است به معنای خودفریبی می‌باشد؛ یعنی اطاعت از هوای نفس انسان را در زمره منافقان و افراد بدفرجام قرار می‌دهد و در قیامت به خاطر این انتخابی که در دنیا داشته‌اند حسرت‌ها می‌خورند ولی سودی به حالشان نداشته و نوری ندارند.

در مواردی که فتنه به کافران و مشرکان اسناد داده شده است به تناسب موضوع و هدف آیه، معانی متعددی اراده شده، مانند: عذر و بهانه، فریب‌دادن، فریب‌خورده، در دام فتنه و آشوب افتاده، خطر و آسیب. در سوره اسراء آیه ۷۳ که فرمود: «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ ..» واژه «لیفتنونک» یعنی تو را فریب دهند. «فتنه» در اینجا به معنای فریب‌دادن است. (جعفری، بی تا، ج ۶: ۳۳۶) در آیه ۱۰۱ از سوره نساء واژه «یفتنکم» در لغت به معنای اختبار و امتحان به کار رفته سپس به کشته شدن، فتنه اطلاق شده است. (سمرقندی، بی تا، ج ۱: ۳۳۳)

در آیه ۱۱۰ از سوره نحل که فتنه به مؤمنان اسناد داده شده، به معنای شکنجه شدن و در بلا و امتحان قرار گرفتن می‌باشد. در تفسیر آیه آمده: فَتَنُوا معناه: أحرقوا، فتنه یعنی: سوختند و طلا و نقره در آتشی که آنها را سوزاند و الفتنین: سنگ داغ سیاه است زیرا گویی خورشید آن را سوزانده و کسی که گفته آیات اخیر درباره قریش است، فتنه را به معنای امتحان و شکنجه در نظر گرفته است و این تأویل در برخی از کلام خداوند متعال تقویت می‌شود: ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا، زیرا این جمله درباره قریش منصفانه‌تر از کسانی است که در کفر مرده‌اند و اما قریش در زمان نزول آیه، کسانی بودند که بعد از آن توبه کردند و به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردند. (اندلسی، بی تا، ج ۵: ۶۶۲)

در مواردی که ماده فتنه به فرعونیان اسناد داده شده است، معمولاً به معنای فریب‌دادن و به انحراف کشاندن و نیز به معنای تحت تأثیر تبلیغات گمراه‌کننده و نادرست قرار گرفتن آمده است.

و اما ماده فتنه در کاربردهای عام و کلی قرآنی، به معنای آشوب، هرج و مرج و فضای غبارآلود است که باعث فساد و انحراف و تباهی جامعه و اختلاف و تشتت کلمه می‌شود. به گفته بعضی گذاشتن طلا در آتش برای خالص شدن از ناخالصی - هاست. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۵) در تفسیر نمونه در جمع‌بندی معنای فتنه آمده است: «در اینکه "فتنه" چیست، مفسران و

ارباب لغت، درباره آن بحث‌هایی دارند؛ گاه به معنی آزمایش و امتحان است و گاه به معنی فریب‌دادن و گاه به معنی بلا و عذاب آمده، مانند: *يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ دُوفُوا فِتْنَتَكُمْ* و گاه به معنی گمراهی آمده، مانند: *وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً* و گاه به معنی شرک و بت‌پرستی یا سد راه ایمان آورندگان، آمده؛ مانند آیه مورد بحث و بعضی آیات بعد از آن که می‌فرماید: *"وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ"* ولی ظاهر این است که تمام این معانی به همان ریشه اصلی که در معنی فتنه گفته شد، بازمی‌گردد (همانگونه که غالب الفاظ مشترک چنین حالی را دارند)؛ زیرا با توجه به اینکه معنی اصلی قراردادن طلا در زیر فشار آتش برای خالص‌سازی، یا جدا کردن سره از ناسره‌است، در هر مورد که نوعی فشار و شدت وجود داشته باشد، این واژه به کار می‌رود؛ مانند امتحان که معمولاً با فشار و مشکلات همراه است و عذاب که نوع دیگری از شدت و فشار است و فریب و نیرنگ که تحت فشارها انجام می‌گیرد و همچنین شرک یا ایجاد مانع در راه هدایت خلق که هر کدام متضمن نوعی فشار و شدت است. این احتمال نیز از سوی بعضی از مفسران داده شده که منظور از "فتنه" در اینجا همان فساد اجتماعی باشد، از جمله تبعید کردن مؤمنان از وطن مألوفشان که این امور گاه از کشتن هم دردناک‌تر است، یا سبب قتل و کشتارها در اجتماع می‌شود، در آیه ۷۳ سوره انفال چنین می‌خوانیم: *"إِلَّا تَعْلَوْهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ"* (در این آیه فتنه و فساد در کنار هم قرار گرفته)، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲-۲۳) بنابراین «واژه‌ها یا عناصر واژگانی یک زبان در اثر طول کاربرد و کثرت استعمال و به تناسب تجربه زبانی و نظام ادراکی گویشوران آن زبان، با برخی از ابعاد و ویژگی‌های معنای ارجاعی (وضعی) خود ارتباط تنگ‌تر و روشن‌تری پیدا می‌کند» (ناظری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۷) همچنین «وحدت موضوعی یا تناسب معنوی آیات سوره‌های قرآن به این معناست که بین آیات هر سوره یک سری روابط و پیوندهایی وجود دارند که باعث می‌شوند متن هر سوره همچون یک بنای استوار، دارای بخش‌های هماهنگ و متناسب گردند. این روابط و پیوندها به شکل‌های مختلفی می‌توانند در ایجاد پیوند و آمیختگی معنوی نقش ایفا کنند» (عبداللهی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵)

۵. نتیجه

تحقیق پیش‌روی بر آن بود که با نگاهی به کاربردها و کارکردهای فتنه و اشتقاقیات این ماده در قرآن کریم، ضمن تشریح کارکردهای اسنادی این واژه، به تبیین و معناشناسی هریک از این موارد بپردازد. از آنچه گذشت به نتایج ذیل دست یافتیم:

لغت‌شناسان برجسته زبان و ادبیات عرب، برای ماده فتنه در کاربردهای عربی و قرآنی معانی متعددی ارائه نموده‌اند، مانند: فریفته‌شدن؛ به فتنه و فریب انداختن؛ سوزاندن و گداختن چیزی بوسیله آتش؛ شکنجه کردن؛ آزمایش و امتحان کردن؛ جنگ و درگیری و آشوب‌هایی که میان مردم رخ می‌دهد؛ گمراه کردن؛ کفر و جنون؛ ناآرامی اضطراب و تشویش.

راغب اصفهانی لغت‌شناس برجسته قرآنی در کتاب ارزشمند خود آورده‌است: واژه «فتنه» از افعالی است که هم از سوی خدای تعالی و هم از جانب بندگان به کار رفته‌است، همانند بلیه، مصیبت، قتل، عذاب و دیگر افعال ناپسند و کریه. هر گاه فتنه از خدای تعالی باشد به مقتضای وجه حکمت است و اگر فتنه از انسان بدون امر و حکم خدای متعال سر بزند نقطه مقابل حکمت الهی است.

ماده فتنه در کاربردهای قرآنی غالباً در شکل متکلم وحده از فعل ماضی و سپس در قالب دیگر اشتقاقیات به کار رفته‌است؛ برای فهم درست معنای این واژه در هر کاربرد و اسنادی که دارد، باید اموری مانند سیاق آیه و گاه شأن نزول و فضای نزول

آیه را مورد توجه قرار دهیم. نتایج این جستار حاکی از آن است که در آیات فتنه که در قرآن کریم به کار رفته است، شاهد وفور طرحواره های تصویری هستیم که جهت اقتراب به ذهن مخاطب از این طرحواره ها استفاده شده است. کاربرد طرحواره ها در این آیات بیانگر این است که به ترتیب طرحواره حرکتی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و سپس طرحواره نیرو-قدرتی و پس از آن به ترتیب طرحواره ظرف بودگی، شیء و تماس، بیشترین فراوانی را دارا می باشند. در برخی آیات شاهد چند نوع طرحواره هستیم که جهت فهم بیشتر از آن استفاده شده است. نمود زیاد طرحواره حرکتی حاکی از آن است که دین مبین اسلام در قرآن کریم، پیوسته برای حفظ دین داری به حرکت فرا خوانده است: فتنه به منزله سفر درونی، مفهوم رسالت، مفاهیم هدایت و ضلالت، مفهوم هجرت، پیکار و.. از این زمره می باشند. مفهوم رحمت عام نیز در قالب طرحواره حرکتی مطرح گشته است (نزول رزق و روزی از جانب پروردگار متعال برای خلق الله) طرحواره ظرف بودگی دوبار در قالب بیمار بودن دل و بیماری آن به کار رفته که نشانگر اهمیت دل در عزم راسخ و اراده ای پولادین در جهت حفظ ایمان است. دوزخ نیز در قالب ظرفی به کار رفته که کافران به سان مطروف در آن جای می گیرند که نشانگر احاطه کامل به کافران است. در آیات ذکر شده لباس نیز به منزله ظرفی می باشد که به سان ستی برای پوشاندن عیوب و زشتی هاست که بیانگر این است که خداوند با رحمت خاص خود به مومنان نگاهی ویژه داشته و ستار العیوب آن هاست. طرحواره شیء یعنی تجسم قائل شدن برای مفاهیم انتزاعی جهت اقتراب به ذهن مخاطب استفاده شده و طرحواره تماس بر شدت پیکار اشاره دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغه، چاپ اول، قم.
- اندلسی، ابن عطیه، (بی تا)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، لبنان: دار الکتب العلمیه.
- پالمر، فرانک ر. (بی تا)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه: کورش صفوی، چاپ دوم،
- تیلور، جان آر و لیتل مور، جانت (۱۳۹۶ش)، زبان شناسی شناختی، ترجمه: وجیهه فرشی، نجمه فرشی، ویراستار و ناظر علمی: دکتر آزیتا افراشی، چاپ اول، تهران: نشر نویسه پارسی
- جعفری، یعقوب (بی تا)، کوثر، بی جا.
- درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ق) اعراب القرآن و بیان، سوریه: دار الارشاد.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹ش)، «بررسی معانی حروف اضافه مکانی فرهنگ سخن بر اساس معنی شناسی شناختی»، مجله ادب پژوهی، ش ۱۴، صص

- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا (۱۳۹۲ش)، مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی (مجموعه نشانه شناسی و زبان‌شناسی ۱۴)، چاپ اول، تهران: نشر علم
- زمخشری، جار الله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.
- سمرقندی بلخی، ابواللیث نصر بن محمد، (بی‌تا) تفسیر القرآن الکریم المسمی بتفسیر بحر العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شیخ سنگ تجن، شهین، (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، « بررسی طرح واره‌های تصویری در ضرب المثل های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، دو فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی زبان‌شناخت (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، سال هشتم، شماره‌ی دوم، صص ۱۱۳-۱۰۳
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق) المحيط فی اللغة، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.
- صفوی، ۱۳۸۶ کورش (۱۳۸۶ش)، آشنایی با معنی‌شناسی، چاپ اول، تهران: پژوهاک کیوان
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، درآمدی بر معنی‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش) ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بیستونی، تهران: انتشارات فراهانی.
- عبداللهی، حسن، نورمحمد خدایاری و علی نوروزی (۱۴۰۰ش) «بررسی نقش ساز و کار تقابل در پیوند آیات قرآن (با محوریت سوره آل عمران)» دوره سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۲۷)، Doi: ۱۰.۲۲۰۶۷/Jallv۱۳.i۴.۵۹۵۳۸، صص ۳۹-۲۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق) کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت.
- گیرترس، دیررک (۱۳۹۸ش)، نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی (از سری کتاب های نگین های زبان‌شناسی ۱۳)، ترجمه: کورش صفوی، چاپ سوم، تهران: نشر علمی
- لاینز، جان (۱۳۸۵ش)، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی، ترجمه: حسین واله، چاپ سوم، تهران: گام نو
- لیکاف، جورج، (۱۴۰۰)، قلمروی تازه‌ی علوم شناختی (آنچه مقوله‌ها درباره‌ی ذهن فاش می‌کنند)، کتاب یکم، ترجمه‌ی جهان‌شاه میرزا بیگی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- مراغی، أحمد مصطفی (بی‌تا) تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق) التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ناظری، حسین، علی کفاش‌زاده و عباس عرب (۱۳۹۹) سال دوازدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۳، Doi: ۱۰.۲۲۰۶۷/Jallv۱۲.i۲.۷۹۳۳۱-۹۷-۱۱۱
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۵ق) إیجازالبیان عن معانی القرآن، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- هال، رابرت اندرسن (۱۳۸۱ش)، زبان زبان‌شناسی، ترجمه: دکتر محمد رضا باطنی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

What are the imaginary schemas in the verses documenting
sedition
in the Holy Qur'an

Seyyed Jalal Amini^۱, Balasem Mohseni^۲, Amir Moqaddam Mottaqi^۳

Abstract

The semantics of the words of the Holy Quran is one of the new research methods in the Holy Quran. Based on this, finding the exact and correct meaning of Quranic words is the basis of interpretation, the perfection of which is achieved by analyzing the meaning of words in the context of the verses and achieving the semantic network of Quranic words; On the other hand, the documentary function of Quranic words plays a significant role in understanding and interpreting Quranic verses; One of the most used words in the Holy Quran is the word "sedition"; This word with its derivatives has been used sixty times in different documentary functions in the divine word and this repetition shows the importance of this word. This article investigates the documental functions of Fitna verses and what are the imaginary schemas in it with a descriptive-analytical method.

The results of this research show that the subject of fitna in Quranic applications is often used in the form of the past participle and then in the form of other derivations. and then the scheme of being a container, force-power, contact and object, have the highest amount of frequency, but the scheme of support and center-periphery can be seen only in one verse. The disbelievers are seen to be advised to move in order to maintain their faith.

Keywords: Qur'an, sedition, documentary function, semantics, conceptual schema

^۱ .PhD student of Arabic language and literature, Dr.Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad , Mashhad , Iran.

Email : sjalal۰۲@gmail.com

^۲ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Dr.Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad , Mashhad , Iran. (corresponding author).

Email : mohseni@um.ac.ir

^۳. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Dr.Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad , Mashhad , Iran.

Email : a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

References

- ١- ٣-موسوي، م. م. موسوي (٢٠٠٧). "موسوي
cognitive Linguistics Enterprise: An overview", The Cognitive Linguistics
Reader, Equinox. Publishers. P: ٢٦٣-٢٦٦
- ٢- Langaker, R.w. (١٩٨٧). Foundations of Cognitive Grammar, Vo ١,١. Stanford
University Press.

Reference

The Holy Quran

Alousi. S.M. (١٤١٠ AH) Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut: Dar al-Kitab
Al-Alamiya.[In Arabic]

Ibn Faris. A. (١٤٠٤ A.H.) Ma'jam Maqayis al-Lagheh, first edition, Qom.[In Arabic]

Andalsi. I. A. (No date), the editor of al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Lebanon: Dar al-
Kutub Al-Elamiya[In Arabic].

Jafari. Y. (No date), Kausar, Bija. [In Persian]

Darvish. M.(١٤١٠ AH) Arabs of the Qur'an and Bayan, Syria: Dar al-Arshad. [In Arabic]

Ragheb Esfahani. H. (١٤١٢ AH) al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam.[In
Arabic]

Zamakhshari. J. (١٤٠٧ AH) Al-Kashaf on the hidden facts of Tanzil and Ayun al-Aghawil
in the ways of interpretation, Beirut: Dar al-Katab al-Arabi.[In Arabic]

Samarqandi Balkhi. N. (No date) Tafsir al-Qur'an al-Karim al-Masmi in Tafsir Bahr al-
Uloom, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.[In Arabic]

Sahib. I.(١٤١٤ AH) al-Massin fi al-Lagha, first edition, Beirut: Alam al-Kutub.[In Arabic].

Tabatabaei. M. H. (١٣٧٤), translation of Tafsir al-Mizan, translation: Mousavi Hamedani,
Seyyed Mohammad Baqer, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary
Society.[In Persian]

Tabarsi. F.(۱۳۶۰), translated by Majmam al-Bayan in Tafsir al-Qur'an, Mohammad Bistouni, Tehran: Farahani Publications.[In Arabic]

Abdollahi, Hassan, Noor Mohammad Khodayari and Ali Nowrozi (۱۴۰۰) "Investigation of the role of confrontation mechanism in connecting the verses of the Qur'an (focusing on Surah Al-Imran)" ۱۳th period, number ۴ (series ۲۷), Doi: ۱۰.۲۲۰۶۷/Jallv۱۳.i۴.۰۹۰۳۸ pp. ۳۹-۲۱.

Farahidi. Kh.(۱۴۰۹ AH) Kitab al-Ain, second edition, Qom: Hijrat.[In Arabic]

Maraghi. A. M. (No date) Tafsir al-Maraghi, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.[In Arabic]

Mustafavi. H. (۱۴۳۰ AH) Researches in the Words of the Qur'an, ۳rd edition, Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.[In Arabic]

Makarem Shirazi. N. (۱۳۷۴) Tafsir Nemouneh, Tehran: Dar Ketub Islamic.[In Persian]

Nazeri, Hossein, Ali Kafashzadeh and Abbas Arab (۱۳۹۹) ۱۲th year, number ۲, serial number ۲۳, Doi: ۱۰.۲۲۰۶۷/Jallv۱۲.i۲.۷۹۳۳۱- pp.۱۱۱-۹۷.

Neishabouri. M.(۱۴۱۰ AH) Ijaz al-Bayan on the meanings of the Qur'an, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.[In Arabic]